



تعاونیهای تولید راهبرد توسعه روستایی در ایران

● مهندس قادر عربی

چکیده

رشد فزاینده جمعیت، توسعه صنعتی - تکنولوژیکی و گسترش شهرنشینی، توسعه روستایی و کشاورزی را با مشکلات اساسی روبه رو کرده است. امنیت غذایی و دستیابی به خودکفایی در تولیدات کشاورزی، تخریب و نابودی محیط زیست، افزایش فقر، پایین بودن سطح زندگی روستاییان و عدم مشارکت آنان در برنامه‌های توسعه، از این گونه مشکلات است.

این نوشتار در پی کسب پاسخی برای این گونه مسائل است. بنابراین، مقاله حاضر به بررسی و مطالعه گروهها و تشکلهای نظامهای تعاونی در تولیدات کشاورزی پرداخته است. در این راستا، ابتدا بنه‌ها، شرکتهای سهامی زراعی و واحدهای تولیدی مشاع، به طور کوتاه مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و سپس به بررسی و ارزیابی تعاونیهای تولید کشاورزی پرداخته شده است.

نتایج این بررسی، بیانگر آن است که پس از فروپاشی بنه‌ها در جامعه روستایی ایران، شرکتهای سهامی - زراعی و واحدهای تولیدی مشاع جایگزین‌های موفق نبوده‌اند. این نتایج همچنین، مبین آن است که تعاونیهای تولید کشاورزی، نقش مهمی در حفظ و احیای یکپارچه سازی اراضی، مکانیزاسیون کشاورزی، افزایش بازده آبیاری،

استفاده بهینه از ماشین‌آلات و نهاده‌های کشاورزی دارند.

در پایان با توجه به اینکه بخش عمده‌ای از جمعیت کشور در روستاها ساکن بوده و شغل اصلی آنان را کشاورزی تشکیل می‌دهد، همچنین با توجه به مسئله کوچک بودن و پراکندگی زیاد اراضی در مناطق روستایی، توسعه تعاونیهای تولید کشاورزی به عنوان راه‌حلی مناسب برای توسعه روستایی و کشاورزی ایران پیشنهاد می‌شود.

مقدمه

بخش عمده‌ای از جمعیت کشور در مناطق روستایی سکونت دارند و شغل اصلی آنان نیز کشاورزی می‌باشد. بنابراین، دستیابی به توسعه ملی بدون توجه به توسعه روستایی و کشاورزی و بهبود وضعیت اقتصادی - اجتماعی روستاییان، امکان پذیر نمی‌باشد. دستیابی به توسعه روستایی و کشاورزی، نیازمند توجه به دو عنصر ضروری می‌باشد. اولین عنصر ضروری، مشارکت است. به طور کلی، توسعه روستایی و کشاورزی، یک دگرگونی مطلوب کیفی و کمی در جامعه روستایی است که منجر به بهبود وضعیت اقتصادی - اجتماعی روستاییان و همچنین، افزایش تولیدات غذایی آنان می‌گردد. نکته حائز اهمیت این است که این دگرگونی بدون

مشارکت روستاییان در طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های توسعه روستایی و کشاورزی غیرممکن است.

عناصر دوم، سازماندهی روستاییان در چارچوب تشکلهای است. این عنصر در واقع ابزار جلب مشارکت می‌باشد و بیشتر در چارچوب یک تشکل است که مشارکت معنا و مفهوم می‌یابد. براین اساس، این مقاله در پی بررسی تشکلهای و برنامه‌های توسعه روستایی به منظور شناسایی تشکلی مناسب برای توسعه روستایی و کشاورزی می‌باشد.

مروری بر تاریخچه تشکلهای و تعاونیها

ایجاد تشکلهای روستایی در جهان سابقه‌ای دیرینه دارد. به طوری که، ایجاد انواعی از تشکلهای به عصر شروع کشاورزی توسط بشر برمی‌گردد. چرا که کشت و کار کشاورزی به مقتضای عملکردهای ویژه خود، چگونگی بهره‌برداریها و شرایط جغرافیایی هر منطقه ایجاد می‌کرده است که نوعی ویژه از این تشکلهای به وجود آید.

در واقع، ایجاد این تشکلهای، پاسخی به شرایط دشوار کار کشاورزی، جایگاه و موقعیتهای جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی بوده است. همچنین این نوع تشکلهای و تعاونیها، وسیله‌ای مهم برای تبادل تجارب و

ایجاد تعاونها و تشکلهای روستایی در ایران نیز سابقه‌ای دیرینه دارد. این مهم به ایجاد "بنه‌ها" در جامعه روستایی ایران برمی‌گردد.

در حقیقت، تا قبل از اجرای اصلاحات ارضی به سال ۱۳۴۱، عملکردهای تولیدی در بیشتر مناطق روستایی ایران براساس سازمان تولیدی بنه بوده است. بنه‌ها متشکل از چندین خانوار روستایی خوشاوند بوده‌اند. در واقع، بنه‌ها به عنوان سازمان اجتماعی پیچیده‌ای در زمینه تولید کشاورزی با حقوق مشخص نسبت به آب و کشت و مدیریتی نیمه رسمی در مزرعه بودند.

وظیفه اصلی بنه‌ها، استفاده بهینه از زمین و صرفه‌جویی در آب بوده است. از آنجایی که زندگی در روستا با کشاورزی به طور تنگاتنگی ارتباط داشته است، بنابراین اساس این نوع خاص از سازمانهای تولیدی، سایر جنبه‌های زندگی روستایی را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌داده است. به عنوان مثال بنه‌ها در تعیین پایگاه اجتماعی افراد تأثیر زیادی داشته‌اند. به طوری که، جایگاه فرد در بنه، درجه تأثیرگذاری او را در زندگی روستایی مشخص می‌کرد. به طور کلی، چند امر در زمینه تولید روستایی وجود داشته که لزوم ایجاد تعاون را از طریق بنه ایجاب می‌کرده است.

۱) امور مربوط به برپاداری و استفاده از نهاده‌های کشاورزی
در این رابطه آب و زمین از اهمیت بیشتری برخوردار بوده‌اند.

۲) امور مربوط به تولیدات:

تعاون در تولید بر پایه مبادله نیروی کار است. یعنی کشاورزان همدیگر را در موقع انجام عملکردهای کشاورزی به طور متقابل یاری می‌کردند. در واقع، این امر پاسخی به عملکردهای سخت کشاورزی بود.

۳) خرید خدمات:

خرید خدمات عمومی بر پایه تعاون بوده است.

۴) عوامل مرتبط با امور زیربنایی :

از آنجایی که عملکردهای زیربنایی در کشاورزی، (ایجاد جداول آب و ...) از توان فرد به تنهایی خارج بوده است، لذا ایجاد بنه‌ها پاسخی به این امر بود.

۵) مسئله دیگر مربوط به دفاع از مزارع هر

روستا در مقابل خطرات طبیعی و انسانی بوده‌است.

با اجرای اصلاحات ارضی و آغاز برنامه‌های توسعه روستایی در سال ۱۳۴۱، ساختار بنه‌ها از هم پاشیده و در دهه ۱۳۵۰ از صحنه زندگی روستاییان برچیده شد. اجرای اصلاحات ارضی و تقسیم اراضی، گرچه دارای مزایای زیادی بود، ولی پیامدهای نامطلوبی را به دنبال داشت.

اولین پیامد نامطلوب این دگرگونی در جامعه روستایی ایران، خرد شدن اراضی به تکه‌های کوچک و غیراقتصادی بود. در واقع باید گفت که در اراضی کوچک مقیاس، به علت قدرت مانور کمتر ماشین‌آلات کشاورزی، امکان مکانیزاسیون کاهش می‌یابد و همین امر، سبب کاهش کارایی اقتصادی می‌گردد.

دومین پیامد نامطلوب اصلاحات ارضی، ریشه در توان اقتصادی کشاورزان برای انجام عملکردهای کشاورزی دارد. به عبارت دیگر، این نکته را باید خاطر نشان کرد که تا قبل از اصلاحات ارضی، روابط پولی نقش عمده‌ای در زندگی روزمره کشاورزان ایفا نمی‌کرد و گرفتاری مالی کشاورزان توسط ارباب رفع می‌گردید.

این الگوی اعتباری بعد از اصلاحات ارضی تا حدود زیادی دگرگون شد. این امر، سبب ایجاد خلاء مالی برای کشاورزان گردید. سومین پیامد اصلاحات ارضی در ایران، از بین رفتن بنه‌ها در جامعه روستایی بود. فلسفه ایجاد بنه‌ها براساس همکاری متقابل و شرکت جمعی در امر تولید بنا شده بود. این امر، منجر به چیرگی کشاورزان بر شرایط سخت و طاقت فرسای عملکردهای کشاورزی می‌شد. اما با متلاشی شدن بنه‌ها، باید نیروی ماشینی جایگزین اینها می‌شد و این در حالی بود که به علت قطعه قطعه شدن زمین، امکان مکانیزاسیون کاهش یافته بود.

بر همین اساس، دولت در مراحل دوم و سوم اصلاحات ارضی به سمت جلوگیری از تقسیم زمین سوگیری کرد. در این دو مرحله، اهداف دولت، متوجه سیاستهای یکپارچه سازی اراضی، افزایش بهره‌وری کشاورزی، بهبود درآمد کشاورزان و ... بود. در این راستا، دولت دست به اقدامات و تلاشهای متفاوتی زد. از جمله این تلاشها و اقدامات، می‌توان از گشایش شرکتهای کشت و صنعت نام برد. این واحدهای بزرگ کشاورزی، در عین دارا بودن

سطح وسیعی از اراضی کشاورزی، دارای صنایع تبدیلی نیز بودند. این واحدها که با مشارکت سرمایه‌گذارهای خارجی و داخلی گشایش یافته بودند، با شکست مواجه شدند.

شرکتهای سهامی - زراعی

در سال ۱۳۴۷، تشکیل شرکتهای سهامی - زراعی با هدف بالا بردن میزان تولیدات کشاورزی و حل مشکلات ناشی از خرد شدن اراضی، از طریق یکپارچه سازی اراضی مورد توجه قرار گرفت. اساس کار این شرکتهای به این طریق بود که پس از گرفتن مالکیت از کشاورزان یک منطقه، اراضی آنان یکپارچه شده و به صورت مکانیزه به زیر کشت می‌رفت. در این نظام تولیدی، کشاورزان به ازای زمین، آب و مقدار کاری که روی اراضی می‌کردند، سهمی از شرکت را دریافت می‌کردند. در واقع، کشاورزان به عنوان کارگران زراعی روی زمین کار می‌کردند. به دنبال مقاومت کشاورزان در برابر گرفتن مالکیت از آنان، مسئولین وزارت تعاون و امور روستاها به این نتیجه رسیدند که توسعه این گونه شرکتهای با محدودیت شدیدی رو به رو می‌باشد. به همین دلیل، این گونه شرکتهای با شکست مواجه شدند. یکی دیگر از اقدامات و تلاشهای دولت در جهت رفع پیامدهای ناشی از اصلاحات ارضی، گشایش تعاونیهای تولید بود.

اما قبل از اینکه به این نوع تعاونیها پرداخته شد، لازم است که یکی از برنامه‌های توسعه روستایی پس از انقلاب، یعنی واحدهای تولیدی مشاع شرح داده شود.

واحدهای تولیدی مشاع

این واحدهای تولیدی، یکی از اشکال گوناگون تعاونی می‌باشد که پس از انقلاب اسلامی در ایران گشایش یافت. مشاع به معنی مالکیت جمعی یا تملک جمعی بر زمین است. براین اساس، دولت قانونی را به تصویب رساند که به موجب آن، هیئتهای هفت نفره را مکلف می‌ساخت که اراضی واگذار شونده به افراد را در قالب مالکیت جمعی، به نام مشاع واگذار کنند. در این واحدهای تولیدی، زمین و آب و ادوات ماشینی، به طور شریک الملکی متعلق به همه اعضای تشکیل دهنده مشاع بود. هر عضو مشاع، دارای قطعه زمین مشخصی در اراضی متعلق به مشاع نبود تا بتواند به طور مستقل

توسعه تعاونیهای تولید کشاورزی

به عنوان راهحلی مناسب برای توسعه روستایی و کشاورزی ایران پیشنهاد می‌شود.

ایجاد تعاونیها و تشکلهای روستایی

در ایران نیز سابقه‌های دیرینه دارد. این مهم به ایجاد "بنه‌ها" در جامعه روستایی ایران برمی‌گردد.

- ۲) عدم وجود ارزشهای سهام در رابطه با مقدار زمین و رعایت حرمت رأی افراد به صورت هر نفر یک رأی و وجود امتیاز برای همه اعضا
- ۳) حفظ حدود و مرزهای قطعات زمین کشاورزان
- ۴) تشابه کار گروهی در این شرکتها با ارزشهای سنتی کار نظیر بنه‌ها
- ۵) هماهنگی و اشتراک مساعی در کارهای اجرایی شرکت توسط کشاورزان
- ۶) استفاده بهینه از منابع آب و افزایش بازدهی آبیاری
- ۷) استفاده بهینه از نهاده‌ها و ادوات کشاورزی
- ۸) افزایش تولیدات کشاورزی
- ۹) کمک به یکپارچه سازی و مکانیزاسیون کشاورزی
- ۱۰) بهبود اثربخشی عملکردهای ترویج کشاورزی درون تعاونها
- ۱۱) امکانات و وسایل رفاهی بیشتر
- ۱۲) افزایش اوقات بیکاری اعضا و در نتیجه، اشتغال آنان در بخشهای دیگر (دامداری، صنایع روستایی و ...)

ضرورت‌های توسعه تعاونیهای تولید روستایی

- ۱) جمعیت شاغل در بخش کشاورزی طبق آمار سال ۱۳۶۵، بیش از ۴۰ درصد جمعیت کشور ایران در بخش روستایی سکونت دارند. براین اساس، توسعه برنامه‌های روستایی و کشاورزی در کشور ایران یک نیاز محسوس است.
- ۲) وجود نظام غالب خرده مالکی به طور کلی، در کشور ایران بیشتر کشاورزان خرده‌پا می‌باشند و کشاورز بزرگ مالک در این کشور کمتر دیده می‌شود.
- ۳) پراکندگی اراضی کشاورزان پراکندگی اراضی در کشور ایران زیاد

سال، دولت متوجه شد که بسیاری از کشاورزان به علت کوچک بودن اراضی خود، قادر به تولید مناسب و افزایش تولید نیستند. بر این اساس در دهه اخیر، توسعه این شرکتها در دستور کار برنامه های دولت قرار گرفت. هر تعاونی اجازه دارد تا در محدوده ۳-۱۵ روستا عمل کند. کمکهای زیادی از طرف دولت در رابطه با ماشین آلات و ادوات کشاورزی و اعتبار برای تهیه نهاده‌ها و انجام عملکردها به این نوع تعاونیها ارائه می‌شود. از لحاظ حقوقی، زمین هر کس در اختیار خودش قرار دارد، ولی بهره‌برداری به صورت گروهی و در چارچوب نظام شرکتی صورت می‌گیرد. به عبارت بهتر، پس از تبدیل اراضی پراکنده به قطعات مناسب یکپارچه، کل اراضی کشاورزان در داخل محدوده شرکت، به صورت گروهی در اختیار صاحبان نسق زراعی قرار می‌گیرد. در هر گروه، تقسیم کار با توجه به میزان و برابر مساحت زمین تحت مالکیت صاحبان اراضی صورت می‌گیرد و یک نفر از اعضای گروه به عنوان سرگروه انتخاب می‌شود. درآمد ناخالص هر عضو تعاونی برحسب نهاده‌های کشاورزی که در اختیار دارد (مانند آب، زمین، کار و سرمایه) تقسیم می‌شود. به طور کلی، هدف از گشایش این شرکتها تعاونی عبارت بود از یکپارچه سازی زمینهای کشاورزی، آشنا ساختن کشاورزان با شیوه‌های نوین تولید، توسعه منابع آب و خاک و افزایش اشتغال از طریق توسعه صنایع روستایی.

مزایای شرکت‌های تعاونی تولید روستایی

به طور کلی، این تعاونیها دارای مزایایی است که ضرورت توسعه این تعاونیها را می‌طلبد. این مزایا عبارتند از:
۱) حفظ و بقای مالکیت زمین که باعث دلگرمی روستاییان می‌گردد.

آن را کشت کند. بنابراین، مالکیت جمعی بود. در این واحدها، توزیع برابر تولید بین اعضا برقرار بود، به طوری که سهم هر کس در مجموعه مشاع بر حسب زمین و حق آب بود. همه اعضا موظف بودند که در واحد تولیدی مشاع کار کنند. هدف از گشایش این واحدهای تولیدی، حفظ یکپارچه سازی اراضی، استفاده بهینه از نهاده‌ها و ماشین‌آلات کشاورزی بود. بیشتر اراضی به روستاییان بی‌زمین و کم‌زمین واگذار می‌شد و حداقل اعضای مشاع، ۵ نفر و حداکثر ۲۰ نفر بود. به طور کلی، بررسیهای گوناگون بیانگر این است که این واحدهای تولیدی ناموفق بوده‌اند. از جمله علل ناموفق بودن این واحدهای تولیدی، می‌توان به فقدان انگیزه مالکیت، واگذاری اراضی موات، کمبود سرمایه، عدم مدیریت صحیح و تقسیم کار اشاره کرد.

تعاونیهای تولید روستایی

در ابتدای دهه ۱۳۵۰، دولت در راستای افزایش تولیدات کشاورزی، یکدست نمودن کشت با توجه به حفظ مالکیت فردی بر زمین، توسعه برنامه‌ریزی در کشاورزی، استفاده بهینه از منابع آب و خاک و بهبود سطح زندگی روستاییان، گشایش شرکت‌های تعاونی تولید روستایی را هدف قرار داد. روش کار در تعاونیهای تولید به این صورت بود که هر کشاورز به صورت جمعی در عملکردهای تولیدی مشارکت می‌کرد. آب نیز برای همه به صورت جمعی عرضه می‌شد. تعاونی دارای یک هیئت رئیسه است که توسط اعضا انتخاب می‌شوند. مدیرعامل هم توسط دولت از بین مهندسان کشاورزی انتخاب می‌گردد. از سال ۱۳۵۱ لغایت ۱۳۵۷، ۳۹ شرکت تعاونی تولید روستایی در نقاط مختلف کشور به وجود آمده بود. از این تعداد، ۲۰ تعاونی پس از انقلاب منحل و زمینها به اعضا پس داده شد. اگر چه در سالهای اول انقلاب، توسعه این تعاونیها متوقف شده بود، ولی پس از چند

نیازمند توجه به دو عنصر ضروری می‌باشد. اولین عنصر ضروری، مشارکت است.

عناصر دوم، سازمندی روستاییان در چارچوب تشکلهاست.

است. به طوری که، هر زارع خرده‌پا به طور متوسط علاوه بر این که دارای مقدار محدودی زمین است، این مقدار کم در قالب یک قطعه نیز نمی‌باشد، بلکه در قالب چندین قطعه جدا از هم است. به علاوه، قانون ارث روند بالا را در آینده شدیدتر نیز می‌کند.

۴) پذیرش شیوه‌های نوین تولید

تا مدت‌های مدیدی عقیده بر این بود که عدم پذیرش نوآوریها و شیوه‌های نوین تولیدی توسط کشاورزان به دلیل ویژگیهای شخصی آنان (از قبیل سنت‌گرایی، اعتقاد به قضا و قدر، بینش سنتی، خرده فرهنگ دهقانی) می‌باشد. ولی بررسیهای بعدی نشان داد که همیشه این عقیده درست نیست. این بررسیها تاکید کرده‌اند که یکی از شرایط مهم پذیرش نوآوری و شیوه‌های نوین، وسایل و امکانات و توان اقتصادی لازم است.

در واقع باید گفت که راهبرد توسعه تعاونیهای تولید کشاورزی در کشور ایران، یک ضرورت اساسی است. این راهبرد، برای دستیابی به دو هدف اساسی، افزایش تولیدات کشاورزی و بهبود درآمد کشاورزان دارای یک نقش اساسی در این کشور می‌باشد. این راهبرد، تنها با رعایت اصول زیر، یک راهبرد موفق می‌باشد. این اصول عبارتند از:

الف - توافق و خواست کشاورزان:

توسعه و ایجاد تعاونیها، باید براساس خواستها و نیاز کشاورزان گروه هدف باشد. زیرا بررسیها و تجربه نشان داده است که آن برنامه‌های توسعه روستایی که همسو با خواستها و نیازهای ارباب رجوع نبوده‌اند، شکست خورده‌اند.

ب - مشارکت اعضاء در طراحی و اجرای برنامه‌ها:

مشارکت به معنای سهم شدن اعضاء در فرایند تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌هاست. مشارکت در طراحی برنامه‌ها، تضمین‌کننده این امر می‌باشد که برنامه هماهنگ با خواست و نیاز اعضاء می‌باشد.

مشارکت در اجرای برنامه‌ها، سبب پیشبرد برنامه‌ها در جهت دستیابی به اهداف خواهد بود. لذا، متولیان این تعاونیها که بیشتر آنها مهندسین کشاورزی می‌باشند، باید به این نکته توجه خاصی داشته باشند.

ج - سعی شود از به کارگیری روشهای مرسوم اداری و بوروکراتیک در این تعاونیها خودداری شود. چرا که، حاکمیت این روشها بر تعاونیها، این تعاونیها را از حالت تعاونی خارج می‌سازد.

د - سعی شود افرادی که درون هر گروه قرار می‌گیرند، افرادی همگن (از لحاظ اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، خویشاوندی و...) باشند.

نتیجه گیری

عملکردهای کشاورزی در جامعه روستایی ایران تا قبل از اصلاحات ارضی در قالب سازمانهای سنتی تعاونی به نام "بنه‌ها" بوده است. اجرای اصلاحات ارضی در ایران به سال ۱۳۴۱، منجر به فروپاشی ساختار بنه‌ها گردید. قطعه قطعه شدن اراضی کشاورزی و ظهور کشاورزان خرده‌پای مستقل، از دیگر پیامدهای نامطلوب این اصلاحات (قطعه قطعه شدن اراضی) و در راستای یکپارچه سازی و افزایش تولیدات کشاورزی، دست به اقدامات و تلاشهای متفاوتی زد. به طور کلی، این اقدامات شامل گشایش واحدهای بزرگ تجاری کشت و صنعت، شرکتهای سهامی زراعی و تعاونیهای تولید روستایی بود. پس از انقلاب، یکی از اقدامات اساسی، گشایش واحدهای تولیدی مشاع بود که در واقع شیوه‌های خاصی از تعاونی بود. بررسیها و تجارب مختلف متخصصان و دست‌اندرکاران این برنامه‌ها نشانگر آن است که واحدهای کشت و صنعت، شرکتهای سهامی - زراعی و واحدهای تولیدی مشاع، برنامه‌های موفق نبوده‌اند. این بررسیها و تجارب بیانگر این است که تعاونیهای تولید روستایی تا حد زیادی موفق بوده‌اند و با شرایط

اجتماعی-اقتصادی جامعه روستایی ایران، هماهنگی بیشتری داشته‌اند. بر همین اساس با توجه به شرایط خاص اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران، توسعه تعاونیهای تولید روستایی و کشاورزی به عنوان گزینداری مناسب پیشنهاد می‌گردد. این گزینداری تنها زمانی موفق می‌باشد که براساس خواست کشاورزان باشد.

منابع

- ۱) ازکیا، مصطفی (۱۳۷۰)، "مقدمه‌ای بر جامعه شناسی توسعه روستایی"، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۲) ازکیا، مصطفی (۱۳۶۹)، "جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران"، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۳) جلال کمالی، علی (۱۳۶۹)، "تحلیلی بر لزوم تشکیل نظامهای بهره‌برداری و انگیزه‌های ایجاد واحدهای تولیدی با نظامهای سهامی - زراعی، تعاونیهای تولید روستایی و کشت و صنعتها"، مجموعه مقالات اولین همایش مشترک شرکتهای سهامی - زراعی، تعاونیهای تولید روستایی و کشت و صنعتها، اول تا سوم اسفند ۱۳۶۸، مشهد. تهران: سازمان شرکتهای سهامی - زراعی و تعاونیهای تولید روستایی.
- ۴) شهبازی، اسماعیل (۱۳۶۸)، "توسعه کشاورزی و مسئله کوچکی، پراکندگی و دوری قطعات اراضی مورد کشت و کار هر خانوار کشاورز"، قسمت دوم، زیتون، شماره ۹۲.
- ۵) نجفی، بهاء‌الدین (۱۳۶۱)، "اثرات تأسیس شرکتهای تعاونی تولید"، مجله علوم کشاورزی ایران، جلد ۱۳، شماره‌های ۳، ۲، ۱ و ۴.
- ۶) لهستانی زاده، عبدالعلی (۱۳۷۲)، "جامعه شناسی کشاورزی"، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۷) وزارت تعاون و امور روستاها (۱۳۵۲)، "قانون تشکیل شرکتهای سهامی - زراعی".